

بررسی عناصر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش

عالی بر مبنای قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان

ذکيا عباسی^۱، حسن ملکی^۲، عباس عباس‌پور^۳، سعيد بهشتی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

چکیده

هدف این مقاله بررسی عناصر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان است. بدین منظور از آیات قرآن کریم و تفاسیر مرتبط با تربیت اخلاقی تفسیر المیزان بهره گرفته شد. این نوشتار با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی عناصر تربیت اخلاقی می‌پردازد. در این پژوهش با استفاده از تحلیل مضمون آیات قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان، مضامین ذیل دو حیطه باورها و رفتارها استخراج و مقوله‌های مشابه و مقارن ذیل ششم اصلی دسته‌بندی می‌شود به مقوله‌های اصلی عنوان "معیار" و به مقوله‌های فرعی مرتبط با آن‌ها عنوان "زیر معیار داده و آنگاه بین معیارها و زیرمعیارهای تولیدشده ارتباط مناسب برقرار شد.

به این اساس عناصر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی همسو با آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان انتخاب که یک انسجام، تناسب و هماهنگی درونی مناسب بین مبانی، اصول و عناصر انتخاب شده برنامه درسی پیشنهادی وجود دارد. سپس با مصاحبه نیمه ساختاریافته نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی در خصوص ویژگی عناصر تربیت اخلاقی در آموزش عالی اتخاذ و الگوی تربیت اخلاقی متشکل از سه بخش مبانی، اصول و عناصر طراحی شد. هر کدام از بخش‌های الگو منطبق با مبانی قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان ارائه شد، به کارگیری الگوی ارائه شده در سطوح مختلف برنامه‌ریزی درسی اعم از طراحی و تدوین برنامه‌های درسی آموزش عالی و.. بستر مناسب را برای تربیت اخلاقی هرچه بهتر در محیط دانشگاه را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، آموزش عالی؛ قرآن کریم؛ تفسیر المیزان

¹ zk.abasi@yahoo.com

² malaki_cu@yahoo.com

³ abbaspour1386@gmail.com

⁴ beheshti@atu.ac.ir

مقدمه

موجود انسان به عنوان برترین آفرینش خداوند «موجودی ارزشمند و کرامت»^۱ (اسراء ۷۰) یافته است؛ که در «بهترین و زیباترین اندازه گیری‌ها و قالب‌ها»^۲ (بلد ۴) آفریده شده است که دارای ابعاد وجودی متنوعی است و این ابعاد به وسیله تربیت شکوفاشده و به تعالی می‌رسد در این میان پرورش و شکوفاسازی فضائل اخلاقی یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین کارهاست و انجام این کار از اهداف والای رسالت انبیاء الهی بوده است به طوری که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم»^۳ (مجلسی، ج ۱۶، ص ۲۱۰) همچنین در قرآن کریم آمده است که راز «بعثت انبیاء تعلیم و تزکیه بشر»^۴ (جمعه ۲) است و از دیرباز از مسائل مهم و یا حتی یکی از چالش‌های حال و آینده تمامی جوامع (داوردی اردکانی، ۱۳۹۱) و حتی نظام‌های تربیتی اکثر کشورهای جهان بوده و خواهد بود (حسنی، ۱۳۹۴). به طوری که در سال ۱۹۸۷، دانشگاه ییل و انجمن ارزش‌های آموزش عالی کانون پژوهش‌های خود را ترویج اخلاق پژوهی قرار داده و «دیوید هوکما»^۵ بیان می‌کند که اخلاق نه تنها باید در کدهای حرفه‌ای رفتار بلکه در برنامه درسی پنهان دانشگاه (مانند کارکنان و انجام گفتمان کلاس درس) زندگی کند (کیس و ایبن، ۲۰۱۰).^۲

زو (۲۰۱۴)^۳ در تحقیق خود با عنوان چگونگی آموزش تربیت اخلاقی در کلاس‌های تربیت بدنی در دانشگاه به اهمیت تربیت اخلاقی از طرق برنامه‌های درسی تأکید می‌کند. یکی دیگر از شواهد نشان می‌دهد که کالج‌ها نیاز به ارائه یک آموزش عالی‌تر به نام اخلاق دارند (کریمسون، ۲۰۱۱)^۴ بوک^۵ رئیس سابق دانشگاه هاروارد، در سخنرانی‌های عمومی خود و حتی در مقالات و کتاب‌های منتشرشده از خویش اصرار می‌کند که کالج‌ها و دانشگاه‌های پیشرو در آمریکا باید خود را به آموزش اخلاقی به عنوان یکی از

^۱ David Hockma

^۲ kiss & euben

^۳ Zhu

^۴ Crimson

^۵ bok

وظایف اصلی خود متعهد کنند (بتی، ۲۰۱۷)^۱ از طرفی شواهد حاکی از آن است که جامعه ایران نیز همانند سایر کشورها از این نیاز مبرا نبوده و نیست. در پژوهش انجام شده توسط سازمان ملی جوانان، نظر جوانان حاکی از آن است که: آنان به آینده اخلاقی جامعه بدبین هستند (حسنی، ۱۳۹۴). واز طرفی در چند سال اخیر گسترش دامنه نابسامانی‌های اخلاقی چون بداخلاقی‌های علمی و آموزشی، تقلب، ریاکاری، کلاه‌برداری‌های کلان اقتصادی، بی‌احترامی و توهین به اشخاص در سطح جامعه و مواردی از این قبیل که تعدادشان کم نیست همگی نشان از یک مسئله مهم و دغدغه‌ای اساسی به نام تربیت اخلاقی است. بنابراین شایسته است که اعضای هر جامعه، به‌ویژه مربیان و متصدیان تعلیم و تربیت، به شناختی عمیق از ارزش‌های جامعه خود دست یابند تا به‌درستی از آن‌ها دفاع کنند و در حفظ و اعتلای آن بکوشند. لذا آنچه جامعه امروز به آن نیازمند است، اهمیت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق برای رسیدن به این هدف مهم می‌باشد.

با توجه به نقش آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص و نقش آن در توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور، کارآمدی آن به‌تمامی نهادها و سازمان‌ها اثر خواهد گذاشت (پیو و همکاران، ۲۰۱۵)^۲. از سویی با توجه به نقش آموزش عالی در تربیت و آماده‌سازی جوانان برای آینده کشور (سوجیا، ۲۰۱۴)^۳ و با توجه به قرارگیری در عصر اطلاعات با دامنه وسیعی از واقعیت‌های مجازی بحث از اخلاق در نظام آموزش عالی امری لازم و ضروری محسوب می‌گردد. چراکه لازمه هرگونه فعالیت درجهت توسعه رعایت اخلاقیات می‌باشد. اما با توجه به رشد سریع علم و فناوری برنامه‌های درسی نیز باید خود را با خواسته‌های دنیای نو تطبیق دهند (فرجاد، ۱۳۸۴: ۱۸۷). متخصصان تعلیم و تربیت در دانشگاه‌ها سعی دارند با روش‌های گوناگون برای تطبیق با تحولات جدید تغییراتی در برنامه‌های درسی به وجود آورند (عارفی، ۱۳۸۴: ۳۰).

¹ Beaty

² Puiu

³ Sujā

از سال ۱۹۳۷ که نخستین گروه برنامه درسی و آموزش در دانشگاه تربیت معلم دانشگاه کلمبیا در آمریکا تأسیس شد تاکنون برنامه‌ریزی درسی و به طبع آن الگوهای برنامه درسی بنا به نظر متخصصان این حوزه دچار تغییر و تحولاتی شده است و متعاقب آن الگوهای متنوعی مانند تایلر (۱۹۴۹)^۱، تابا (۱۹۶۲)^۲، بابیت (۱۹۲۴)^۳، چارترز (۱۹۲۴)^۴، سیلور و الکساندر (۱۹۷۶)^۵، هانکینز (۱۹۸۵)^۶، ملکی (۱۳۸۲)، آیزنر (۱۹۹۴)^۷، کلاین (۱۹۸۶)^۸، اکر (۲۰۰۳)^۹، فتحی و اجارگاه (۲۰۰۶) ارائه شده است.

درواقع به دلیل آنکه نظریه‌پردازان نتایج مختلفی را از یک برنامه درسی انتظار دارند، الگوها و به تبع آن عناصر صورت‌های مختلفی به خود می‌گیرند. بریگز (۱۹۸۰)^{۱۰} معتقد است: در اکثر الگوهای برنامه درسی چند عنصر مشترک وجود دارد (به نقل از خاقانی زاده و فتحی و اجارگاه: ۱۳۹۶)؛ اما از طرفی هیچ الگوی برنامه درسی واحدی وجود ندارد که بتواند پاسخگوی تمامی نیازهای آموزشی یک جامعه باشد. بر اساس این واقعیت و با توجه به اینکه دانشگاه و مراکز آموزش عالی به‌عنوان رأس هرم آموزشی در هر کشوری نقش اساسی در تولید و انتقال علم و دانش دارد در نظام‌های آموزشی به‌ویژه آموزش عالی برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که بر مبنای ارزش‌ها، توانایی‌ها، استعدادها و قابلیت‌های لازم برای خودشکوفایی افراد باشند و منجر به پرورش گرایش‌ها، آگاهی‌ها و رفتارها گردد. از طرفی با توجه به نظر علامه طباطبائی از آن جهت که انسان موجودی است تشکیل یافته از تن و روان و دارای قوه تفکر، منفعت‌جو، دارای فطرت الهی و دائماً در حال تولید ارزش‌ها با توجه به تکاپوی ذهنی خویش است تا مشکلات دنیوی خویش را حل نماید (طباطبائی، ۱۳۸۵). به نظر ایشان به کتاب خدا مآخذ اصلی تفکر اسلامی است به

^۱ tyler

^۲ Taba

^۳ Bobbit

^۴ charter

^۵ saylor and alexander

^۶ Hankins

^۷ Eisner

^۸ Klien

^۹ Akker

^{۱۰} Briggs

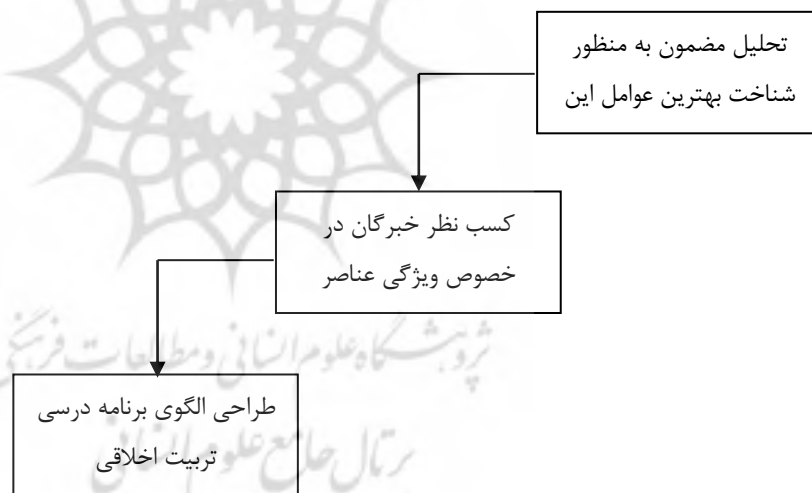
نظر علامه «ظواهر دینی» به گونه‌ای است که هر کس، عامی و دانشمند، در حد فهم خود می‌تواند از آن برداشت کند. بنابراین خاستگاه عقاید، اخلاق و کلیات و جزئیات احکام دین را می‌توان از ظواهر دینی به دست آورد (طباطبائی، ۱۳۸۸) گذشته از این قرآن خود را «نور و روشن کننده»^[۱] (نساء، ۱۷۴) همه چیز معرفی می‌کند و از مردم می‌خواهد تا در «آیات قرآن تدبیر»^[۲] (ص، ۲۹) کنند. از این جهت بهره‌گیری از قرآن کریم که سرچشمه زاینده معارف اخلاقی است، قابل تطبیق با شرایط زمانی و مکانی مختلف (فتحعلی خانی، ۱۳۹۳) و قابل فهم برای عموم می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۸۸)؛ می‌تواند انسان را در حل مشکلات دنیایی یاری رساند. با این توضیحات و با توجه به اینکه برنامه درسی تربیت اخلاقی وظیفه تجهیز کردن دانشجو به اخلاقیات را دارد و با توجه به مسائل و مشکلات اخلاقی در سطح دانشگاه به طور اخص و در سطح جامعه اینجا این مهم مطرح می‌شود که ویژگی عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان چیست؟ بنابراین برای بررسی عناصر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی، از قرآن کریم و تفسیر المیزان به عنوان مبنای نظری پژوهش و نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی استفاده خواهد شد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از روش کیفی بهره جسته است. جامعه آماری پژوهش حاضر به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: در بخش اول جامعه آماری تحقیق شامل تفسیر المیزان و کلیه آیات قرآن کریم است که جهت انتخاب منابع از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و با توجه به اینکه نمونه‌گیری هدفمند و نظری مستلزم جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مقوله‌ها برای تدوین نظریه است، بنابراین تفاسیر مرتبط با تربیت اخلاقی مندرج در تفسیر المیزان و کلیه آیات مربوط به تربیت اخلاقی به عنوان نمونه آماری مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفت، منابع مذکور با توجه به اهداف تحقیق و جامعیت آن‌ها در زمینه تربیت اخلاقی انتخاب شدند. جهت تعیین تکلیف کردن عناصر برنامه‌ریزی درسی متخصصان برنامه‌ریزی

درسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران عنوان جامعه آماری مورد شناسایی و از روش هدفمند (گلوله برفی) نمونه آماری موردنظر تعیین شد.

بنا به نظر کلاین (۱۹۸۵)^۱ دو گونه تصمیم‌گیری در دو سطح عام و سطح خاص منجر به تکوین برنامه درسی می‌شود. در سطح عام، عوامل مؤثر بر برنامه درسی شناسایی می‌گردد و در سطح خاص اقدام به تعیین عناصر برنامه درسی می‌شود. لذا پژوهشگر در این پژوهش ابتدا از تحلیل مضمون استفاده می‌کند تا عوامل یعنی مبانی تربیت اخلاقی را از قرآن کریم و تفسیر المیزان استخراج کند و سپس با مصاحبه نیمه ساختاریافته نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی در خصوص ویژگی عناصر تربیت اخلاقی در آموزش عالی اتخاذ و با استفاده از روش کدگذاری اولیه و ثانویه الگوی موردنظر با توجه به عناصر طراحی گردد. روند نمای زیر، نمایشگر این واقعیت است.



شکل شماره ۱، روش تحقیق این مطالعه

¹ Klein

یافته‌های تحقیق

در ابتدا به تحلیل مضمون آیه‌های قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان پرداخته می‌شود. در این مرحله مضامین یکپارچه کننده حاصل از تلخیص و تلفیق مضامین کلیدی مشترک به دست آمده است و سپس بر مبنای ادبیات پژوهش و هدف تحقیق مضامین کلان نام گذاری و مشخص گردیده است. این تحلیل با اتخاذ روش تحلیل تمی و انجام فرایند کد گذاری باز و محوری صورت پذیرفته در کد گذاری باز، نسخه برداری‌های مربوط خط به خط مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس برداشت‌های محقق هر خط در قالب یک مفهوم مرتبط کد گذاری شد و سپس در مرحله بعد مفاهیمی که دارای ایده‌ی مشترک بودند در سطحی با انتزاع بالاتر دسته بندی شدند و در ذیل دو حیطه رفتارها و باورها دسته بندی شدند.

جدول شماره ۱: مضامین یکپارچه کننده و کلان مرتبط با باورها و رفتارها

باورها	مضامین	رفتارها	مضامین
۱- بینش نسبت به خدا	۱. صابران در پناه خداوند ۲. مالکیت مطلق خداوند ۳. تحقق وعده‌های الهی ۴. خداوند منشأ توفیق ۵. ایمان به خدا، غیب و معنویات دینی	۱- ولایت مداری	۱. فرمان‌بری از فرمان‌ها الهی و ولی زمان ۲. آزادی و آزادمنشی ۳. اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر ۴. رضایت و خشنودی ۵. اتکا و توکل به خداوند
۲- بینش نسبت به خویشتن (هماندشناسی)	۶. صبر کلید امور ۷. آزمون الهی ۸. صبر سرچشمه فضائل ۹. مرگ حتمی و اساس تحویل و تحول انسان	۲- میل به فضائل	۶. پایبندی به ادب و متانت و احترام در برخورد ۷. وفاداری بر قول و پیمان ۸. گرایش به بخشش مادی و معنوی ۹. وفاق و انسجام ۱۰. ایثارگری و شهادت طلبی ۱۱. انجام کارهای نیک و اعمال شایسته

۱۲. تحکیم پیوندهای اجتماعی ۱۳. واقع‌بینی و حقیقت‌خواهی ۱۴. رفتار نیک توأم با مهربانی و رحمت ۱۵. خودسازی و خویش‌شناسی ۱۶. وقت‌شناسی و مدیریت زمان ۱۷. کتمان و حفظ اسرار ۱۸. انصاف و عدل ۱۹. قانون‌مندی و ضابطه‌مندی ۲۰- سکوت			
۲۱. پرهیز از غرور و تکبر ۲۲. امساک از مصرف‌گرایی و زیاده‌خواهی ۲۳. پرهیز از ناامیدی و ترس ۲۴. پرهیز از دروغ در گفتار و عمل ۲۵. منع از فساد و فحشا ۲۶. پرهیز از غم و اندوه و پشیمانی ۲۷. پرهیز از عجله و خشونت‌گرایی ۲۸. پرهیز از افراط و تفریط ۲۹. تقلید کورکورانه (تعصب زدایی) ۳۰. پرهیز از کینه‌جویی و انتقام ۳۱. پرهیز از بی‌حوصلگی و دلتنگی	۳- دوری از ردایل	۱۰. ایمان به معاد زمینه‌ساز پیروزی ۱۲. وسعت دامنه به‌کارگیری صبر ۱۲. تعدد ارزش‌ها ۱۳. صبر از صفات انبیا ۱۴. ایمان به خدا و آیات محور پذیرش فضائل ۱۵. صبر سوای از بی‌تابی و ناشکیبایی ۱۶. حقانیت معیار استقامت ۱۷. ارزشمندی زمان	۳- محتوا شناسی تربیت اخلاقی
۳۲. پرهیز از جزع و بی	۴- عمل به تکلیف (اراده	۱۸. صبر بر نعمت موجب	۴- شناخت فواید صبر

تأبی ۳۳. استقامت و ثبات قدم ۳۴. پرهیز از عجز و ناتوانی ۳۵. انتقادپذیری	و عزم راسخ در امور)	فزوننی نعمت ۱۹. صبر مایه عزت و سربلندی ۲۰. نجات از عذاب و آمرزش الهی ۲۱. سلامت روحی و روانی جامعه ۲۲. رضای خداوند معیار صبر ۲۳. تحلیل صحیح از حوادث مقدمه قضاوت ۲۴-تبدیل بد به نیک ۲۵. قانون مداری معیار گزینش	
۳۶. بصیرت و آگاهی افزایی ۳۷. حفاظت از مرزهای فکری و اعتقادی ۳۸. ارتقا و آگاهی و احاطه علمی ۳۹. دستیابی به امنیت اجتماعی	۵- آگاهی و بصیرت (هوشیاری)	۲۶. برتری داشتن کیفیت بر کمیت ۲۷. یاد مرگ تسهیل کننده مصائب ۲۸. تشویق عامل سهولت مشکلات ۲۹. حکمت و آگاهی معیار سنجش ۳۰. صبر بر طاعت پایه و اساس دین ۳۱. یقین، سعه صدر و صبر شرایط رهبری ۳۲. اعتقاد به گشایش و فرج رمز تحمل و ناشکیبایی ۳۳-عذاب انتهای ناشکیبایی ۳۴- تاریخ منشأ عبرت آموزی ۳۵- صبر معیار پاداش	۵- شیوه شناسی تربیت اخلاقی
۴۰. مسئولیت پذیری ۴۱. ارزیابی عملکرد	۶. مدیریت صحیح	۳۶. موانع عملیاتی ۳۷. روایات و تلقی های	۶- موانع

۴۲. تشویق و تنبیه	مختلف		
۴۳. دوراندیشی و داشتن دید همه‌جانبه	۳۸. تحقیر متربیان		
۴۴. در دست گرفتن مدیریت جامعه	۳۹. زیاده‌خواهی		
۴۵. استقلال طلبی و خودکفایی	۴۰. گرایش به طاغوت		
۴۶. در هم شکستن توطئه‌های بیگانگان (دشمن‌شناسی)			
۴۷. الگوپذیری و معرفی الگوی مطلوب			
۴۸. توجه به نیروی انسانی			
کارآمد			
۴۹. اندیشه و تدبیر در تصمیم			

در گام بعدی تلاش گردید مقوله‌های مشابه و مقارن که در جدول شماره ۱ ارائه شده است در تم‌های اصلی جای گیرند اطلاعات حاصل از تحلیل مضمون آموزه‌های اخلاقی قرآن بر مبنای تفسیر المیزان، در سطح بالاتر و تجربیدی‌تر جهت دستیابی به تم‌های اصلی، گروه‌بندی شدند. پس از مقایسه مقولات گروه‌بندی‌شده، مقولات مرتبط با یکدیگر در یک مضمون کلی دسته‌بندی شدند با توجه به هدف پژوهش در راستای عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قران کریم چگونگی تناسب آن‌ها با یکدیگر و کل داستانی که آن‌ها درباره داده‌ها می‌گویند، تلاش گردید یک نقشه رضایت‌بخش از تم‌ها ترسیم گردد، در این مرحله، تم‌هایی را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف شدند و مورد بازبینی مجدد قرار گرفتند، سپس داده‌های داخل آن‌ها تحلیل شدند. به‌وسیله تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یکتم در مورد آن بحث می‌کند، مشخص شد و تعیین شد که هر تم کدام جنبه از اطلاعات را در خود جای داده است. در جدول ۲ تم‌ها به‌طور مختصر و جامع ارائه می‌شود:

جدول شماره ۲: تم‌های مشترک استخراج شده

تم ۱، شرایط علی	
مقتضیات	ولایت مداری
	عمل به تکلیف
	مدیریت صحیح
تم ۲، عوامل مداخله گر (تسهیل کننده‌ها)	
مقتضیات	بینش نسبت به خویشتن
	محتوا شناسی تربیت اخلاقی
	آگاهی و بصیرت
تم ۳، اصول تربیت اخلاقی	
مقتضیات	بینش توحیدی
	میل به فضائل
	دوری از رذایل
تم ۴، عوامل مداخله گر (موانع)	
مقتضیات	موانع عملیاتی
	منت نهادن در پس انجام وظیفه‌ای
	تحقیر متریان
	زیاده‌خواهی
	گرایش به طاغوت
تم ۵، شیوه شناسی تربیت اخلاقی	
مقتضیات	سازگاری
	آزمون‌پذیری (الهی)
	صبر کلید امور
	یقین، سعه‌صدر
	یاد مرگ تسهیل کننده امور
تم ۶، ویژگی مربی (دانشجو)	
مقتضیات	شناخت مربی
	نگرش مربی
	رفتار مربی

در تحقیق حاضر محقق به مقوله‌های اصلی عنوان "معیار" و به مقوله‌های فرعی مرتبط با آن‌ها عنوان "زیر معیار" را می‌دهد و بین معیارها و زیرمعیارهای تولیدشده ارتباط مناسب برقرار می‌کند نوع روابط میان معیارها و زیرمعیارهای تحقق اجرای الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی با توجه به کدگذاری انتخابی صورت گرفته. توضیح اینکه عناصر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی همسو با آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان و منطق با مبانی و اصول اساسی اسلام می‌باشد و نقش سازنده‌ای در راستای حل مسائل و ارتقا و رشد همه‌جانبه جامعه داشته‌اند زیرا کمال نهایی او قرب الهی و کامل شدن از نظر اخلاقی است بنابراین یک انسجام و تناسب و هماهنگی درونی مناسب بین مبانی، اصول و عناصر انتخاب شده برنامه درسی پیشنهادی وجود دارد؛ زیرا چه بسا برنامه‌هایی بوده و هستند که به این امر پرداخته و به دلیل عدم انسجام درونی از موفقیت بازمانده‌اند.

۱- مبانی تربیت اخلاقی

«مبانی» در لغت همان «شالوده و اساس» یک چیز را گویند (راغب اصفهانی، ۵۰۲ق، ج ۱: ۲۵۲) و در اصطلاح اندیشمندان تعلیم و تربیت به گزاره‌هایی اطلاق می‌گردد که بیانگر موقعیت، امکانات، محدودیت‌ها و ضروریات حیات بشر است (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۱۸). به بیانی دیگر به «مجموعه قانون‌های شناخته شده در علوم نظری که تعلیم و تربیت بدان تکیه کرده و ناظر بر یکی از ویژگی‌های انسان است؛ مبانی گفته می‌شود. این ویژگی‌ها اولاً در مورد همه انسان‌ها صادق است و ثانیاً به شکل قضایا قابل بیان است» (صمدی، دوایی و اقبالیان، ۱۳۹۱: ۴۲). بنابراین محقق با توجه به توانایی خویش به بررسی‌های عمیق تربیت اخلاقی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم پرداخته که بر این اساس دو مبنا استنباط گردید که به صورت جداگانه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

الف. مبانی انسان‌شناسی

با توجه به اینکه یک سلسله امیال و جاذبه‌های معنوی در انسان وجود دارد که او را از سایر موجودات جدا می‌کند. و دامنه افعالش را از غرایز و مادیات به سمت معنویات سوق می‌دهد این امیال و گرایش‌ها که از آن به عنوان فطرت یاد می‌شود عبارتند از میل به حقیقت‌جویی و کمال‌یابی، میل به کرامت نفس و احترام، میل به آرامش، زیبایی دوستی، میل به خیر و فضیلت، پرستش موجود برتر، شکر و سپاس‌منعم، میل به هدایت، میل به اراده و اختیار، میل به جامعه و جامعه‌گرایی و ... که چنانچه به‌طور کامل ظهور و بروز یابند، می‌توانند زمینه حرکت، کمال و قرب الهی را فراهم آورند. بنابراین با توجه به سخن استاد شهید مطهری که می‌گوید: «انسان نه ساخته و پرداخته به دنیا می‌آید و نه خالی بلکه وقتی به دنیا می‌آید بذریه این امور انسانی در وجودش کاشته شده، در جامعه این‌ها باید رشد کند؛ مثل زمینی که بذر را در آن پاشیده‌اند و الآن فقط احتیاج دارد به اینکه به این زمین آب و نور و حرارت برسد و شرایط مساعد موجود باشد تا این بذر از درون رشد کند» (آروانه و داوودی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). شناخت فطریات انسان، به‌طور حتم در تربیت اخلاقی او به‌منظور شناخت اصول و شیوه‌های تربیتی متناسب با آن در جهت پرورش و رشد اخلاق لازم و ضروری است. بنا بر آنچه گفته شد، تا زمانی که برنامه تربیت اخلاقی انسان بر پایه شناخت درست و همه‌جانبه از او شکل نگیرد «مبنای متقن و استوار نداشته باشد قابل دفاع نخواهد بود زیرا هیچ بنایی در عالم بدون بنیاد قابل تصور نخواهد بود» (ملکی، ۱۳۹۳: ۱۲).

ب. مبانی اعتقادی

همان‌طور که گفته شد طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی که آرمان آن قرب الهی و نیل انسان به سعادت است و این آرمان به دست نمی‌آید مگر اینکه بر شالوده و زیر بنایی محکم استوار باشد. اما اینکه چه کسی و چه گروهی و یا چه مکتبی می‌تواند انسان را با همه ویژگی‌ها و فطریاتش معرفی و به مقصد اصلی سوق دهد یک سؤال مهم و اساسی است که تاکنون هیچ کس جز اسلام نتوانسته به نحو احسن به آن پاسخ دهد. بنابراین تمامی کسانی که قصد تربیت انسان به‌طور عام و تربیت اخلاقی او به‌طور اخص دارند باید بدانند که هیچ شالوده و اساسی محکم‌تر از مبانی اعتقادی اسلام نیست. اما یکی از اصلی‌ترین مباحث اعتقادی توحید و خداشناسی است زیرا انسان قبل از هر شناختی باید به این شناخت

برسد که آیا عالم هستی بر اثر تصادف به وجود آمده است یا اینکه کسی یا چیزی آن را بر اساس نظام خاصی آفریده است. چنانچه انسان به این یقین برسد که خداوند «رب العالمین» یعنی صانع و آفریننده تمام هستی است بسیاری از مشکلات فردی، اجتماعی و... حل خواهد شد. زیرا می‌خواهد در مقابل خدا اظهار کوچکی و بندگی کند و پرستش او را بجا آورد همین امر زمینه‌ساز خشوع، خضوع، خویش‌داری و بسیاری از اعمال و رفتارهای اخلاقی در او می‌گردد. از طرفی کسی که توحید را پذیرفت و در پی آن به معاد و روز رستاخیز اعتقاد راسخ پیدا کرد یعنی باور کرد که بنا بر حکمت و عدل الهی روز حسابی به‌منظور حساب‌رسی به اعمال فرد وجود دارد و این دنیا فقط گذرگاهی است برای رسیدن به مقصود و هدف نهایی خود را چنان مسافری می‌داند که باید خود را برای سفر آماده کند و در این مسیر خود را به تمام صفات الهی آراسته کند. بنابراین مبانی اعتقادی باید در امر تربیت اخلاقی انسان به مثابه چتری تلقی شود که در تمام اصول، اهداف و عناصر خرد و کلان نفوذ پیدا می‌کند و به آن‌ها جهت می‌دهد و در واقع راه را می‌نمایاند.

۲- اصول تربیت اخلاقی

بعد از صحبت کردن از مبانی، نوبت به اصول تربیت اخلاقی می‌رسد. اصول مجموعه قواعد و قوانینی هستند که با توجه به مبانی اعتبار می‌یابند و راهنمای عمل قرار می‌گیرند «درواقع معیارها و باید‌ها و نبایدهایی هستند که با درد است داشتن آن‌ها می‌توان در وضعیت‌های نو و جدید و حتی پیچیده دست به ابتکار عمل زد و عناصر و روش‌هایی را ابداع نمود» (باقری، ۱۳۹۵: ۸۴). از نظر اسلام اصول به منزله ابزار کار مربی است که با توجه بر آن می‌تواند دستورالعمل‌های جزئی را به‌منظور اصلاح امور صادر نماید.

الف. اصل تزکیه

با توجه به آنکه در مبانی در خصوص سیر به کمال در بشر از دیدگاه اسلام گفته شد اصل تزکیه به‌عنوان یک ضرورت، مطرح می‌گردد، زیرا اگر کمال‌جویی فطری است و این عطش جز با رسیدن به کمال مطلق یعنی لقاءالله سیراب شدنی نیست، پرورش

استعدادهای درونی و تزکیه جهت این سیر تکاملی امر لازمی است که باید به عنوان یکی از اصول تربیتی در سرلوحه تمامی برنامه‌های درسی اعم تربیت اخلاقی قرار گیرد.

ب. اصل مجاهدت فردی

همان‌طور که در مبانی انسان‌شناسی گفته شد، انسان بالفطره میل به اراده و اختیار در امور دارد و براین اساس از طرف خداوند تکالیفی برای او تعیین گردیده است. چنانچه انسان مختار نبود ارسال انبیاء و کتب آسمانی معنا و مفهومی نمی‌یافت. خداوند راه را بر انسان روشن نموده و پیمودن این راه را بنابراین اصل به خودش واگذار نموده، چنانچه در این مسیر مجاهدت نموده و از روی علم و آگاهی مسیر تقرب الهی را بجوید به کمال رسیده و به سرمنزل مقصود می‌رسد؛ بنابراین استفاده از اصل مجاهدت فردی در الگوی پیشنهادی بدین منظور است تا ضمن یادآوری این کرامت انسانی به او وی را حاکم بر سرنوشت خویش بداند و بگوید که در جهت کسب فضایل و دوری از رذائل نیاز به مجاهدت و تلاش فردی است.

ج. اصل سلامت محیط زندگی

اشاره شد که انسان بالفطره میل و گرایش به اجتماع و اجتماعی شدن دارد و «تربیت او از طریق مناسبات اجتماعی مطلوب» (ملکی، ۱۳۹۳: ۲۳) تحقق می‌یابد. محیط به سادگی و آسانی منجر به پرورش عادات در فرد می‌شود، حال اگر محیط سلامت باشد، آثار نیکو و سالم برجا خواهد گذاشت اگر محیط به انحرافات اخلاقی آلوده باشد در پی آن فرد دچار انحراف و انحطاط اخلاقی می‌شود. با توجه به این اصل اساسی مسئولان تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای محیط را آماده کنند تا یادگیرنده ترغیب را کند با به کار انداختن عقل خویش نسبت به رشد فردی و اجتماعی خویش بکوشد پس آوردن این اصل در اینجا ضمن یادآوری به مسئولین امر تعلیم و تربیت برای پاک‌سازی محیط یادگیری این است که امکانات لازم جهت رشد، پیشرفت، یادگیرنده (دانشجو) را فراهم نمایند.

د. اصل هماهنگی تربیتی

یکی عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی اصل هماهنگی می‌باشد. این اصل خود به سه دسته قابل تقسیم خواهد بود. هماهنگی عقل و دین یعنی بین تفکر اخلاقی و تعبد اخلاقی در هم تنیدگی وجود دارد و این دو مکمل یکدیگرند آنجا که عقل نمی‌تواند وارد تشخیص ردیلت‌ها از فضیلت‌ها شود دین وارد شده و مسیر را روشن می‌کند و عقل را در تطبیق امور به سایر موقعیت‌ها یاری می‌رساند (مدرسی، ۱۳۸۸: ۷۶). هماهنگی دین و اخلاق، از نظر اسلام و قرآن دین و اخلاق به هم پیوسته‌اند به طوری که روح توحید در تمامی آموزه‌های اخلاقی جریان دارد و از طرفی هم روح اخلاقی بر تمامی ساختارهای دینی سایه انداخته است، ایمان به خدا به طور فشرده در تمامی اخلاق گنجانده شده و اخلاق هم چیزی جز رسیدن به قرب الی الله نیست. به طور مثال چنانچه اعتقاد به معاد و لقاء پروردگار در فرد انسان نباشد چه عامل دیگری می‌تواند او را از پیروی از هوی و هوس بازدارد بر همین اساس می‌توان گفت بین تربیت اخلاقی و دینی نیز در هم تنیدگی وجود دارد و این دو از هم جدا نیستند (صمدی، دوابی و اقبالیان به نقل از امید، ۱۳۸۸). اما هماهنگی بین عمل و انگیزه یکی دیگر از مواردی است که در اسلام به آن بسیار تکیه شده و بیان می‌کند وجود یکی بدون توجه به دیگری انسان را به هدف نهایی نائل نمی‌کند به طور مثال کسی که صدقه می‌دهد و نیتش دستیابی به اجر الهی است با فردی که به منظور جلب رضایت اشخاص و ریاکاری است باهم فرق دارد و در یک مقوله نمی‌گنجد. بنا بر آنچه در اصل هماهنگی گفته شد؛ در طراحی برنامه درسی تربیت اخلاقی می‌بایست ما ضمن توجه به منبع دین به عقل و گرایش‌ها و انگیزه و فعل یا همان رفتار به صورت هماهنگ و یکجا توجه نماییم تا به هدف آرمانی خویش دست یابیم. زیرا زمانی که با استفاده از عقل زمینه آشنایی با اخلاقیات را در فرد ایجاد نماییم و سعی در رفع موانع تربیت اخلاقی نماییم با تحریک ایمان او و ترغیب وی به سوی فضیلت‌ها ارزش‌های اخلاقی در دانشجو درونی شده و واقع‌گرایی و احساس مسئولیت در او ایجاد شده و منجر به اصلاح دانشجو و جامعه می‌گردد.

بنا بر آنچه گفته شد اصول تربیت اخلاقی، قواعد عمل برای رسیدن به هدف تربیت اخلاقی به شمار می‌آید. به همین دلیل نوع اهداف اخلاقی در چگونگی شکل‌گیری نوع اصول تأثیر مستقیم دارد. نظر به اینکه از دیدگاه قرآن و اسلام، هدف از بعث پیامبر اکرم (ص) کامل شدن اخلاق است. اصولی باید ارائه شود که به تحقق این هدف کمک کند. آنچه در این پژوهش ارائه شد مجموعه اصولی بود که بر اساس آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم تنظیم شده بود. بدون تردید برنامه‌ریزان و اساتید می‌توانند با توجه به آن‌ها دانشجویان را در رسیدن به تربیت اخلاقی مدنظر قرآن یاری کنند.

۳- عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد عناصر الگوی پیشنهادی برنامه درسی تربیت اخلاقی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان و نظر متخصصین برنامه‌ریزی درسی شناسایی و ویژگی آن‌ها بیان شد. عناصر الگوی پیشنهادی عبارتند از:

الف. اهداف تربیت اخلاقی:

اهداف برآمده از اصول تربیت اخلاقی الگوی برنامه تربیت اخلاقی در آموزش عالی هستند، که دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشند. یعنی برنامه درسی تربیت اخلاقی باید این ویژگی‌ها را در دانشجو ارتقاء دهد: پذیرش مالکیت مطلق خداوند، ارتقاء بصیرت و آگاهی، اندیشه و تدبیر در امور، مسئولیت‌پذیری و ثبات قدم در امور، عمل به تکلیف و واقعیت‌پذیری. اما با توجه به شیوه شناسی تربیت اخلاقی در نظر گرفتن اهداف جزئی چون صداقت، امانت‌داری در نشر افکار و گفتار دیگران، ارزش‌گذاری به میراث علمی رشته خویش، رفتار آگاهانه و همراه با بصیرت و ... در راستای اهداف کلی نیز منجر به تکوین هویت دانشجو می‌گردد.

ب. اصول انتخاب و سازماندهی محتوا

محتوا عبارت است از مجموعه حقایق، مفاهیم، اصول، فرایندها، ارزش‌ها و گرایش‌ها که در ارتباط با یکدیگر و در جهت هدف‌های یادگیری برای یادگیرنده سازماندهی می‌شود (ملکی، ۱۳۹۴). انتخاب محتوا بر اساس مبانی و موازین حاکم بر برنامه درسی تربیت اخلاقی می‌باشد تا بتواند اثرات مثبت و سازنده داشته باشد.

روح و ارزش حاکم بر محتوا، دستیابی به قرب الی الله است. بر این اساس محتوای موردنظر باید آکنده از اخلاق و امور اخلاقی باشد و در کلیه دروی اصلی دانشجویان تلفیق گردد و با توجه به ویژگی‌های رشدی، شناختی و عاطفی دانشجو انتخاب شود و همچنین با توجه به گرایش انسان به سمت زیبایی‌ها به مباحث زیباشناسی اخلاق پرداخته شود و منجر به فعال شدن دانشجو در حین انجام پژوهش گردد. از طرفی هم توجه به محتوای تلفیقی و رویکرد بین‌رشته‌ای و چند رشته‌ای به اخلاق یک ضرورت دانسته شده است.

ج. روش‌های تربیت اخلاقی

روش عبارت است از سازماندهی فرآیند یاددهی - یادگیری و روش تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد بر اساس طراحی منظم و هدف‌دار معلم برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد (شعبانی، ۱۳۹۵)

هدف از تربیت اخلاقی ایجاد تغییر در رفتار یادگیرنده می‌باشد بنابراین استفاده از روش‌های فعال به‌منظور درونی کردن ارزش‌ها منجر به تغییر در رفتار می‌گردد و این هدف به دست نمی‌آید مگر با آمیختن اخلاق در موقعیت یادگیری و استفاده از روش‌های پژوهش محور و استعاره و همچنین طرح سناریوهای اخلاقی مبتنی بر مشکلات و مسائل روز و عبرت‌آموزی و استفاده از روش‌های تبشیر و انذار مبتنی بر ویژگی خاص رعایت عدل و انصاف از طرف معلم به‌عنوان یک روش اسوه‌ای.

د. نقش استاد

یکی از مواردی که در قرآن به آن بسیار تاکید شده نقش راهنما و مربی در شکل‌گیری شخصیت متری است. بنابراین با توجه به مبانی و اصول تربیت اخلاقی اسلام استاد خود

باید فردی باشد که از لحاظ اخلاقی مشکل نداشته باشد و شایستگی الگوی مناسب اخلاقی را داشته باشد و از لحاظ علمی و پژوهشی نیز شایستگی‌های لازم جهت یک الگوی مناسب کرده باشد و همچنین این توانایی را داشته باشد تا افراد از فرهنگ‌های مختلف را جذب خویش کرده و موجب ارتقاء اخلاق در آنان گردد او ضمن رعایت ادب و متانت برای دانشجو ارزش قائل بوده و او را احترام می‌کند و در حرف و عمل خویش تناقض و دوگانگی ندارد.

د. فضا و جو

برنامه درسی محدود به تجارب قصد شده توسط برنامه‌ریزان نیست. عوامل دیگری وجود دارند که تأثیر پایداری بر رفتار افراد تأثیر گذاشته و برنامه رسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تجارب از آنجا که پیش‌بینی نشده‌اند، برنامه درسی پنهان نامیده می‌شود. گرچه این تجارب ماهیت غیرقابل پیش‌بینی دارند، اما از طریق کنترل جو، به‌ویژه کیفیت روابط و مناسبات حاکم بر محیط‌های آموزشی می‌توان این پیامدها را تا حدی کنترل کرد (مهدوی هزاوه به نقل از آیزنر، ۱۹۹۴). به همین دلیل جو و فضا در این مطالعه به‌عنوان یک عنصر برنامه درسی در نظر گرفته شده است. بر این اساس عنصر جو در راستای هدف تحقیق دارای ویژگی‌هایی است که از طریق آن تربیت اخلاقی را در دانشجو ارتقاء می‌دهد با توجه به مبانی و اصول تربیت اخلاق اسلامی با ایجاد فضای اسلامی در همه مکان‌های دانشگاه و همچنین ایجاد رابطه دوستانه مشوق اخلاقیات ضمن توجه به محیطی باز و جستجوگر و به دور آر تبعیض و کینه‌ورزی و عجز و ناتوانی می‌تواند در ارتقاء اخلاق در دانشجو گردد. زیرا دانشجو ضمن اینکه اخلاق را از طریق برنامه‌های درسی رسمی یاد می‌گیرد در ارتباط با محیط، کارکنان و... اخلاق در او نهادینه می‌شود بنابراین تأکید بر تلفیق آموزش رسمی و غیررسمی در این الگو حائز اهمیت می‌باشد.

ه. ارزشیابی

با توجه به اینکه اخلاق و تربیت اخلاقی مبحثی نیست که بتوان آن را از طریق روش‌های رایجی که منجر به ارزشیابی آشکار و مبتنی بر اهداف خاص انجام داد در الگوی پیشنهادی برنامه درسی بیان شده است که جهت‌گیری ارزیابی باید به سمت وسوی ارزیابی و کنترل درونی باشد به گونه‌ای که از طریق ارزیابی عملکرد دانشجو می‌توان موفقیت برنامه را ارزیابی نمود و همچنین باید دانشجو را تشویق به خودارزیابی و به منظور سنجش نهاده شدن ارزش‌ها در وی نمود از طرفی هم خود دوستان و هم‌کلاسی‌ها به دلیل وجود رابطه دوستی می‌تواند گزینه مناسبی در ارزیابی اخلاق دانشجو باشند.

طبق نظر صاحب‌نظران، برنامه درسی تربیت اخلاقی باید به صورت مستمر (سیکل) در سرتاسر آموزش‌های رسمی و غیررسمی دانشگاه ادغام گردد بنابراین توجه هرزمانی و هر مکانی به تربیت اخلاقی موانع دستیابی به تربیت اخلاقی مطلوب را کاهش می‌دهد و برای رسیدن به این مقصود از ویژگی انعطاف عناصر برنامه درسی باید بهره گرفت اما انسجام و همخوانی بین عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی به این صورت جلوه می‌کند که در شکل دادن ویژگی‌های کلیه عناصر برنامه درسی از کلیه قابلیت‌ها برای کمک به یادگیرنده بهره می‌گیرد. این موضوع در تعیین اهداف، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری، ارزشیابی، فضا و جو و نقش استاد در تصمیم‌گیری‌ها مدنظر است؛ به نحوی که اگر در تعیین ویژگی‌های یکی از عناصر مانند اهداف یا محتوا به ویژگی و نقش مبانی اخلاق اسلامی توجه نشود و توانمندسازهای الگوی برنامه درسی نادیده گرفته شود، برنامه درسی از همخوانی و انسجام لازم برخوردار نخواهد شد و در نتیجه برای دانشجو و دانشگاه اثربخش نخواهد بود و نخواهد توانست پاسخگوی نیازهای در حال تحول (ترک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵) دانشگاه و دانشجو باشد. در این زمینه برخی صاحب‌نظران بر این باورند که طراحی الگوی برنامه درسی اثربخش باید به گونه‌ای باشد که با ایجاد محیط یادگیری پویا، زمینه رشد و شکوفایی دانشجویان را فراهم آورد (برنچ، ۲۰۱۵)^۱. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در صورتی که الگوی طراحی شده‌ی برنامه درسی تربیت اخلاقی

¹ Branch

در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم اجرا گردد، انتظارات زیر را برآورده خواهد نمود.

۱- برنامه درسی مطابق با این الگو موجب ایجاد هویت اخلاقی در آینده‌سازان کشور می‌شود و در پرتو آن دانش و آگاهی یادگیرندگان از مباحث اخلاقی افزایش یافته و به آنان کمک می‌کند تا در همه‌ی امور با استدلال اخلاقی وارد شده و از مرزهای اخلاقی نگذرند.

۲- الگوی حاضر چارچوبی را برای برنامه درسی تربیت اخلاقی در دانشگاه فراهم می‌آورد. تا پاسخگوی نیازهای دانشجویان در مسائل روزمره و علمی آنان باشد.

۳- طراحی الگوی برنامه درسی موردنظر با ایجاد نگرش و شایستگی‌های اخلاقی، خطر بالقوه سهل‌انگاری‌ها و سوءاستفاده‌های اخلاقی در حرف و عمل را کاهش می‌دهد و از طرفی سلامت فرایند یاددهی-یادگیری در دانشگاه را تضمین کننده است.

۴- با مشخص شدن رذایل و فضائل اخلاقی در حیطه اخلاق دانشگاهی، کمک می‌کند که حقوق دانشجویان در بهره‌مندی از شایسته‌ترینشان و جایگاه علم و علم‌آموزی رعایت گردد.

بنابراین در شکل شماره ۲، الگوی پیشنهادی بر اساس نوع و ارتباط عناصر ارائه می‌گردد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره ۲: ویژگی عناصر الگوی پیشنهادی تربیت اخلاقی در آموزش عالی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، دستیابی به تربیت اخلاقی مبتنی بر قرآن کریم و بر اساس تفسیر میزان جهت دهنده و راهنمای برنامه است. بین عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی انسجام و همخوانی وجود دارد با پیکان‌های جهت‌دار نشان داده‌شده و یکپارچگی و انعطاف الگو به صورت دایره‌وار است. رنگ زمینه از پررنگ به کم‌رنگ تغییر کرده است و این نشان‌دهنده اهمیت و اولویت مبانی و سپس اصول تربیت اخلاقی است. از طرفی

شکل‌های مربع یا مستطیل شکل نشان از چندجانبه بودن و نظم عناصر برنامه درسی الگوی موردنظر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

الگوی پیشنهادی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم و نظر متخصصین برنامه‌ریزی درسی مشتمل بر ۶ عنصر است. پیشنهاد در زمینه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم در کشور با توجه به نوبت بودن آن کم است. تحقیق حاضر با توجه به اهمیت موضوع الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم و حرکت موجود به سمت تخصصی کردن الگوهای عملکردی و با عنایت به فقدان انجام مطالعات دانشگاهی در خصوص الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم صورت گرفت. بنابراین عمده‌ترین ویژگی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی این است که بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم با شرایط خاص کشور ایران اسلامی تهیه شده و تلاش دارد با نگاهی تخصصی و تفصیلی، خلأ موجود در الگوهای عملکردی که همانا ناتوانی در نگاه تخصصی و خُرد به حوزه برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی است را رفع نماید. در مقایسه الگوی طراحی شده با ادبیات و مبانی نظری تحقیق در خصوص الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی یافته‌های تحقیق حاضر در حوزه عناصر مؤثر (شیوه شناسی تربیت اخلاقی، اصول تربیت اخلاقی، شرایط زمینه‌ساز، عوامل تسهیل‌کننده، موانع و ویژگی دانشجویان) بر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی با تحقیقات آرمند، (۱۳۸۷)، داوودی (۱۳۸۵)، اکرمی، (۱۳۹۳)، جام‌خانه (۱۳۹۰) پاملا و همکاران (۲۰۱۱)^۱، کی یونگ ما (۲۰۰۹)^۲ و کارولین (۲۰۱۲)^۳ همخوانی دارد. در این تحقیقات ابعاد شیوه شناسی تربیت اخلاقی، اصول تربیت اخلاقی، عوامل زمینه‌ساز، عوامل

¹ Pamela & Collegues

² Keung ma

³ caroline

تسهیل‌کننده، موانع و ویژگی دانشجویان مورد تأکید قرار گرفته شده است. همچنین بین عناصر اهداف، اصول انتخاب و سازماندهی محتوا، روش‌های تربیت اخلاقی، نقش استاد، فضا و جو و ارزشیابی بنا به نظر محقق همخوانی و انسجام وجود دارد به نحوی که اگر برای انتخاب یک عنصر به نقش مبانی و اصول توجه نگردد، این همخوانی و انسجام گسیخته خواهد شد و به کل برنامه آسیب خواهد رساند؛ زیرا در این الگو دستیابی به تربیت اخلاقی مبتنی بر قرآن و بر اساس تفسیر المیزان جهت‌دهنده و راهنمای کلی است. درواقع مبانی مانند چتری بر کل برنامه سایه انداخته است.



منابع

- آرمند، محمد. (۱۳۸۷). طراحی الگوی مطلوب تربیت اخلاقی در دوره متوسط بر اساس نقد الگوی تربیت منش. پایان نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس؛ دانشکده علوم انسانی.
- اکرمی، ایوب. (۱۳۹۲). فرایند تربیت اخلاقی انسان در قرآن با نگاه به ترتیب نزول سوره و آیات. پایان نامه دکتری دانشگاه فردوسی مشهد؛ دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- آروانه، بهزاد؛ داوودی، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی فطرت در آثار شهید مطهری. معرفت کلامی. ۲(۱)، ۱۲۶-۱۰۱.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۱. تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- ترک زاده، جعفر و همکاران. (۱۳۹۵). تدوین چارچوب ارزشیابی اثربخشی برنامه های درسی آموزش عالی. مجله علمی پژوهشی پژوهش های برنامه درسی. ۶(۲)، ۴۱-۶۴.
- جام خانه، کیوان. (۱۳۹۰). تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی: تحلیل محتوای کتاب های فارسی بخوانیم. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۹۶). درآمدی بر نظام تربیت اسلام. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- خاقانی زاده، مرتضی؛ فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۶). الگوهای برنامه درسی دانشگاهی. مجله راهبرهای آموزش مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی بقیه الله (عج). ۱(۲)، ۱۹-۱۱.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۴). رویکردهای نوین در تربیت اخلاقی. تهران: مدرسه.
- داودی، محمد. (۱۳۸۵). تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیه السلام). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم؛ دانشکده علوم انسانی.

- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۱). اخلاق در عصر مدرن. تهران: سخن
- راغب اصفهانی، محمد. (۵۰۲ ق). المفردات فی الفاظ القرآن الکریم. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی (۱۳۸۳). تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۵). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس). ج ۱. تهران: سمت.
- صمدی، معصومه؛ دوابی، مهدی؛ اقبالیان، طاهره. (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت. ۲۰ (۱۶)، ۶۴-۳۷.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۵). تفسیر المیزان. مترجم: محمد باقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۸). شیعه در اسلام. به کوشش هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب.
- عارفی، محبوبه. (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- فرجاد، محمدعلی. (۱۳۸۴). اصول برنامه‌ریزی درسی و آموزشی. تهران: الهام.
- فتحعلی خانی، محمد. (۱۳۹۳). آموزه‌های بنیادین علم اخلاق. ج ۱. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار، ج ۱۶. کتابخانه دیجیتال نور.
- مدرسی، محمد. (۱۳۸۸). فلسفه اخلاق. تهران: سروش
- ملکی، حسن. (۱۳۹۳). مبانی و اصول اعتقادی تربیت اسلامی. مجله پژوهش‌های فرهنگ و تربیت اسلامی. ۱ (۱)، ۳۰-۱۱.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۴). مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه. تهران: سمت.
- مهدوی هزاوه، منصوره. (۱۳۹۵). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی تربیت معلم دوره ابتدایی همسو با سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش. پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.

- Beaty, Michael. (2017). *Moral Education in the University?* Baylor University.
- Branch, W. T. (2015). Teaching professional and humanistic values: Suggestion for a practical and theoretical model. *Patient education and counseling*. 98 (2), 162-167.
- Caroline, koh. (2012). moral Development and student Motivation in Moral Education: A Singapore study. *Australian Journal of Education*. 56 (1).
- Crimson. (2011). *A Moral Education In the classes and in the Houses*, students need and want a strong honor system. Harvard University.
- Keung Ma, Hing. (2009). Moral Development and Moral Education: An Integrated Approach. *Education Research*. 24 (2), 293-326.
- Kiss, Elizabeth and Euben, S. peter. (2010). *debating moral Education: Rethinking the Role of the modern university*. Duke University.
- Klein, M. F. (1985). *Curriculum Design. International Encyclopedia of Education: Curriculum Studies*. 2, Husen, T. and Postlethwaite–editors, Oxford England: Pergamon Press. 1163-1170.
- Pamela, lepage, Hanife Akar, Yaliz Temli, Deryasen, Veil Hasser, Ibne ivins. (2011). Comparing teachers' views on morality and moral Education, a comparative study in Turkey and the United States. *Teaching and Teacher Education*. (27), 300-375.
- Puiu, S., & Ogarca, R. F. (2015). Ethics Management in Higher Education System of Romania. *Procedia Economics and Finance*. 23, 599-603.
- Suja R. Nair. (2015). *Ethics in Higher Education*. Jain University. India. 229-232.
- Zhu, Xiaoman. (2014). *moral education and valus education in curriculum reform in china*. Higher education press and springer – verlarg. 191-200.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

□□ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

□□□ إِنَّمَا بَعَثْنَا لِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

□□ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ

□ أَيْهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا

□□ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ